

شهید قاسم سلیمانی؛ الگوی جبهه حق و انقلاب از منظر نهج البلاغه

مهدی مرادیان *

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸

چکیده

یکی از مطمئن ترین راههای صیانت از آرمانهای دین و انقلاب، تربیت نیروها و فرماندهانی خودساخته و بصیر در مسیر انقلاب است زیرا دشمنی مخالفان، کوه فکری و جهالت دوستان و عدم بصیرت کافی و تشخیص دقیق و موشکافانه حق از باطل و دهها عامل دیگر، همواره موجب بروز چالشهایی برای جریانهای مدافع جبهه حق و انقلاب شده است. معرفی شهید قاسم سلیمانی به عنوان یک الگوی بارز و مطابق با شاخص هایی که امام علی^(ع) در نهج البلاغه به آنها اشاره کرده است، می تواند در تحقق و پیشبرد اهداف انقلاب و جبهه حق، مفید و اثرگذار باشد.

در این مقاله با روش توصیفی- استدلالی این پرسش مورد بررسی قرار گرفته است: برای اینکه انقلاب اسلامی از بیرون مورد طمع دشمنان و سلطه طلبان قرار نگیرد و از درون مردم جامعه نیز دچار تزلزل و آفت تفرقه و زیانهای متعاقب آن نشوند چه باید کرد؟ نتایج این پژوهش نشان می دهد شهید قاسم سلیمانی، ضمن تطبیق با شاخص های ارائه شده در نهج البلاغه یعنی تقوا، بصیرت و ولایتمداری، همان شخصیتی است که مورد تایید امام علی^(ع) بوده و الگوی جبهه حق و انقلاب است.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، جبهه حق، تقوا، بصیرت، ولایتمداری، قاسم سلیمانی

* نویسنده مسئول: mahdimoradian@gmail.com « روش ارجاع به این مقاله: مرادیان، مهدی؛

(۱۴۰۳). شهید قاسم سلیمانی؛ الگوی جبهه حق و انقلاب از منظر نهج البلاغه، دوفصلنامه علمی تفسیر متون وحیانی،

۱- مقدمه

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی قرن معاصر محسوب می‌شود (مطهری، ۱۳۹۵) که به رهبری امام فرزانه^(ره) و استمرار آن به پرچم داری مقام عظمای ولایت امام خامنه‌ای^(مدظله) و عزم راسخ امت بزرگ ایران و وحدت و انسی که بین ولایت و امت بوده و هست، تحقق یافت و مسیر خود را برای رسیدن به آرمانهای بلند طی می‌کند، البته قطار پر شتاب انقلاب در مسیر حرکتش با موانع بسیاری روبرو بوده و خواهد بود و دشمنان انقلاب با تمام قوا در صدد متوقف کردن آن هستند و از تمام امکانات نیز بهره می‌برند.

آنچه اکنون و در دوران پس از انقلاب، از اهمیت خاص برخوردار است و باید به دقت و با حساسیت مورد توجه قرار گیرد این است که چه باید کرد که این انقلاب با وجود همهی مشکلات و موانع، بتواند همچنان مسیر خود را تا رسیدن به سر منزل مقصود که همان تحقق تمدن اسلامی^۱ و اتصال انقلاب اسلامی به انقلاب جهانی امام عصر (عج) الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد، ادامه داده و بر موانع چیره شود؟

۱- مقام معظم رهبری^(مدظله) در تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۹۰ در جمع مردم کرمانشاه، فرایند انقلاب را در پنج مرحله اساسی مطرح کردند؛ مرحله اول، «انقلاب اسلامی» و مرحله دوم نیز «تشکیل نظام اسلامی» است. لذا انقلاب اسلامی، هم اکنون از این دو مرحله عبور کرده‌است. ایشان مرحله سوم تحقق اهداف انقلاب را «تشکیل دولت اسلامی» می‌دانند و انقلاب اسلامی هم اینک در این گام قرار دارد. لذا علاوه بر تشریح و تبیین مرحله سوم، تکالیف مردم و مسئولین در این مرحله را نیز برشماری نموده‌اند. معظم له، مراحل چهارم و پنجم را «تشکیل کشور اسلامی» و «تحقق تمدن اسلامی» ذکر نمودند.

مهمترین عواملی که در راستای تحقق آرمان فوق می توان برشمرد «وجود رهبری شایسته و با تدبیر» و «امتی با انگیزه و آرمان خواه» و «وحدت بین امت و رهبری» است که البته این وحدت، هم باید در بین اقشار مختلف امت بوده و هم اینکه این امت متحد، باید با رهبرشان پیوند قلبی برقرار کرده باشند و گوش به فرمان و مطیع رهبری باشند، تحقق این سه رکن پیش برنده انقلاب، به یک اصل دیگری نیازمند است که امام امت برای رهبری امت به آن نیازمند است و آن وجود الگوها، شخصیتها و فرماندهانی بابصیرت، شجاع و تابع امام امت است.

شخصیتها و فرماندهان انقلابی که بر آرمانها و اصول انقلابی خود استوار بوده و از آن عقب نشینی نکنند که در این صورت، انقلاب حرکت خود را خواهد داشت اما وقتی این آرمانها (چه از جانب امت و چه از جانب امام و مسئولین و فرماندهان جامعه) به فراموشی سپرده شود عدم انگیزه و ناامیدی و در نتیجه سکون و توقف و تسلط دشمنان را در پی خواهد داشت. این مقاله تلاش دارد مهمترین ویژگیهای شخصیتی فرمانده بزرگ اسلام و انقلاب، شهید قاسم سلیمانی که مصداق واقعی یک شخصیت تراز انقلاب است را از منظر حضرت علی^(ع) در نهج البلاغه، مورد بررسی و تبیین قرار دهد.

۲- چارچوب نظری

۲-۱) ضرورت معرفی الگوی شخصیتی به جامعه

در جوامع انسانی، الگوهای شخصیتی نقش مهمی در شکل گیری هویت فردی و اجتماعی ایفا می کنند. این الگوها به عنوان سرمشق هایی برای رفتارهای اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی معرفی می شوند و می توانند الهام بخش نسل های مختلف باشند (مطهری، ۱۳۹۳). جوامعی که قادر به ارائه الگوهای مناسب و ارزشمند به افراد خود هستند، زمینه ساز

پیشرفت و تعالی خواهند شد، در حالی که نبود چنین الگوهای ممکن است موجب بحران هویتی و فرهنگی شود (شریعتی، ۱۳۹۸). بنابراین، معرفی شخصیت‌های برجسته‌ای که دارای فضایل اخلاقی، بصیرت و شجاعت هستند، ضرورتی انکارناپذیر در راستای تربیت نسل‌های آینده به شمار می‌آید.

۲-۲) جبهه حق و انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از برجسته‌ترین جنبش‌های معاصر، بر پایه مفاهیم ارزشی و الهی شکل گرفت و خود را در جبهه حق تعریف کرد. در تقابل با جبهه باطل، این انقلاب توانست با تکیه بر ایمان، رهبری الهی و وحدت مردم، ساختارهای استبدادی و وابستگی به بیگانگان را کنار بزند (خمینی، ۱۳۶۸). جبهه حق در اندیشه اسلامی بر مبنای عدالت، مقاومت و ارزش‌های الهی بنا شده است و انقلاب اسلامی نمونه‌ای بارز از این جبهه به شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۹۰). این رویکرد، علاوه بر ابعاد سیاسی، دارای ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز بوده که در حفظ هویت اسلامی و مقابله با هجوم‌های فرهنگی نقش بسزایی ایفا کرده است.

۲-۳) الگوسازی امام علی(ع) در نهج البلاغه

امام علی(ع) در نهج البلاغه به عنوان نمونه‌ای کامل از یک رهبر عادل و الهی معرفی شده است. سخنان ایشان مملو از توصیه‌های اخلاقی، مدیریتی و اجتماعی است که می‌تواند به عنوان الگویی بی‌بدیل در جوامع اسلامی مورد استفاده قرار گیرد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۰). در نهج البلاغه، امام علی(ع) اصول عدالت، تقوا، مردم‌داری و مبارزه با فساد را به عنوان ویژگی‌های ضروری یک حاکم الهی معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۲). بررسی سیره امام علی(ع) نشان می‌دهد که ایشان نه تنها در عرصه حکومت، بلکه در زندگی شخصی نیز

نمونه کاملی از یک انسان وارسته و الگوی جاودانه برای مسلمانان است و برای هر صنف و گروهی از مردم و مسئولان جامعه، شاخصهای الگوساز ارائه داده است.

۲-۴) شهید حاج قاسم سلیمانی

شهید حاج قاسم سلیمانی یکی از برجسته‌ترین فرماندهان انقلاب اسلامی بود که با تکیه بر ایمان، شجاعت و تدبیر، نقش مهمی در مقابله با گروه‌های تروریستی و دفاع از آرمان‌های اسلامی و ایران ایفا کرد (حسینی، ۱۳۹۹). وی به عنوان فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، نه تنها در میدان‌های نبرد، بلکه در عرصه دیپلماسی مقاومت نیز تأثیرگذار بود (جعفری، ۱۴۰۰). تقوا، بصیرت، ولایت‌مداری، مردم‌داری و روحیه جهادی از جمله ویژگی‌هایی است که وی را به الگویی برای نسل‌های آینده تبدیل کرده است. نام حاج قاسم سلیمانی به عنوان نماد مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و استکبار جهانی همواره در تاریخ معاصر ماندگار خواهد ماند

۳- بحث و بررسی

۳-۱) ویژگی نخست شهید سلیمانی «تقوا و دینداری»

سیوطی در حدیثی به نقل از ابوامامه آورده است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «در زیر آسمان، هیچ بتی نزد خدا بزرگ‌تر از هوا و هوسی که از آن پیروی شود، وجود ندارد». (سیوطی، ۱۴۱۱) لذا مردم جامعه اسلامی در نگاه کلان و مسئولان و فرماندهان انقلاب در نگاه جزئی تر اما پراهمیت تر، به هر میزان در آنها اثرات تقوی و دینداری و دوری از هوای نفس و حرکت بر مسیر کلام الهی پررنگتر باشد، مردم و انقلابی که برای آن قیام کرده اند در جنبه های مختلف از امنیت بیشتری بر خوردار خواهند بود همان گونه که وقتی (از سوی خداوند) به پیامبر گرامی خدا حضرت محمد(ص) گفته شد: «بزودی

امت تو گرفتار فتنه خواهد شد، مردم از ایشان پرسیدند: راه خلاص از آن چیست؟ فرمودند: به کتاب گرامی خدا متوسل شوید، همان که باطل نه از پیش رو و نه از پشت سر بدو راه نیابد» (تفسیر عیاشی، بی تا)

هر چه مردم و مسئولان به سمت تقوای الهی پیش روند شبهاتی که موجب افتادن آنها در فتنه هاست کمتر شده و مسیر روشنی را در پیش می گیرند، امام علی^(ع) در این باب می فرماید: «ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِيْنَةً وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ إِنَّ مَنْ صَرَحَتْ لَهُ الْعَبْرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَجَزَتْهُ التَّقْوَى عَنْ تَقَحُّمِ الشُّبُهَاتِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶) یعنی «آن چه می گویم به عهده می گیرم، و خود به آن پای بندم کسی که عبرت‌ها برای او آشکار شود، و از عذاب آن پند گیرد، تقوا و خویشتن داری او را از سقوط در شبهات (که عامل اصلی رخدادن فتنه است) نگه می دارد». ایشان در جای دیگری می فرمایند: «فَمَنْ اسْتَطَاعَ عِنْدَ ذَلِكَ أَنْ يَعْتَقِلَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا فَلْيَفْعَلْ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶) یعنی «در پیدایش فتنه‌ها هر کس که می تواند خود را به اطاعت پروردگار عزیز و برتر، مشغول دارد (تا گرفتار شبهات شیطان صفتان نشود)»

تقوای الهی نه تنها موجب جلوگیری از افتادن در فتنه‌ها می شود بلکه شخص گرفتار را از مهلکه نجات می دهد. خداوند در آیه ۲ سوره «طلاق» می فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» یعنی «و هر که از خدا پروا کند، [خدا] برایش راه بیرون شدن (از فتنه‌ها و گرفتاریها) قرار می دهد» سیوطی از عطابن یسار به نقل از ابن عباس روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آیه فوق فرمودند: «منظور خروج از شبهه‌های دنیا (فتنه‌ها) و سكرات مرگ و دشواری‌های روز قیامت است» (سیوطی، ۱۴۰۴) همچنین حضرت علی^(ع) در خطبه ۱۸۳ این آیه را تفسیر نموده و مراد از آن را خروج از فتنه‌ها دانسته‌اند.

سردار قاسم سلیمانی نمونه بارز یک شخصیت متدین و باتقوا بود که به معنای واقعی به دنیا پشت کرده بودند، شواهد زیادی می توان بر این ادا اقامه کرد از جمله زندگی زاهدانه و به دور از تجملات آن شهید بود که همه شاهد بر آن بوده و قابل تحقیق و بررسی برای کسانی است که باور ندارند که می توان یک فرمانده ارشد بود و زندگی در سطح متوسط به پایین تر از عامه مردم داشت و در خانواده ای ساده زیست و بر سر سفره پدری کشاورز و زحمت کش بزرگ شد.

دلیل دیگر بر ادعای فوق، این است که شهید سلیمانی هر لحظه آماده برای شهادت، بلکه آرزومند شهادت بودند و بالاتر اینکه در بیابانها به دنبال شهادت می دویدند و همین آرزو او را شجاع و جسور کرده و همیشه پیروز میدانهای نبرد بود. البته پس از سالها گمشده خویش را پیدا کرده و او شهادت و شهادت او را در آغوش گرفت، و همین اوصاف بود که این شهید را محبوب دلها کرده بود و همه شاهد بودند که در تشییع پیکر آن سردار بیش از بیست میلیون نفر شرکت کردند که در دنیا بی نظیر است.

البته دیانت صرف برای یک فرمانده تراز انقلاب کافی نیست و باید شاخص های دیگر نیز

مورد توجه قرار بگیرد چرا که تاریخ سرشار است از نمونه هایی اعم از جریان های سیاسی، فرق، بزرگان و شخصیت های به ظاهر متدین، که صرفا دارای ویژگی تدین بوده اما از دیگر ویژگی های شخصیتی تراز جبهه حق بهره مند نبوده اند و به همین دلیل لطمه های جبران ناپذیری را بر پیکر اسلام و مسلمین وارد کرده اند، از باب نمونه میتوان به تفکر رهبانیت و افراد پیرو این تفکر مثل عاصم بن زیاد حارثی (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹) و عثمان بن مظعون (مجلسی، ۱۴۰۳) اشاره کرد زیرا در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «لَيْسَ فِي أُمَّتِي رَهْبَانِيَّةٌ، وَ لَا سِيَّاحَةٌ، وَ لَا زَمٌّ» (همان) یعنی در امت من گوشه گیری، سیاحت و سکوت وجود ندارد. منظور از رهبانیت، گوشه گیری و دوری از لذات مادی از

جمله ازدواج، و پرداختن به عبادت صرف است. سیاحت معنایی شبیه به رهبانیت دارد. در لسان العرب آمده است: سیاحت عبارت است از: سیر در زمین برای عبادت و رهبانیت (لسان العرب، نک. سیح). با توجه به اینکه «رهبانیت» و «سیاحت» هر دو در یک حدیث آمده، بعید نیست تفاوتی ظریف میان آنها باشد. ممکن است کسی که رهبانیت را بر می‌گزیند، از شهر یا روستا خارج نشود اما در سیاحت، شخص از مردم هم دور می‌شود. در مورد «زم» به معنای سکوت، ظاهراً به قرینه ی «رهبانیت» که در روایت آمده، اشاره به روزه ی سکوت دارد که در مسیحیت بوده است و شامل هر سکوتی نمی‌شود.

۲-۳) ویژگی دوم شهید سلیمانی «بصیرت سیاسی - انقلابی»

بهترین راه جلوگیری از بروز فتنه و انحراف انقلابیون از مسیر انقلاب، بصیرت افزایی است، بصیرتی که چون در خوارج نبود نه تنها به رهبر خود پشت کرده بلکه با شمشیر در مقابل علی^(ع) ایستادند و در نهایت، نقشه قتل آن حضرت را طراحی و اجرا نمودند، نبود بصیرت یعنی اینکه اصحاب صدر اسلام که با پیامبر^(ص) حشر و نشر داشته اند و در رکاب امیرالمومنین جنگیدند روزی در مقابل حسین بن علی^(ع) قرار می‌گیرند و قریه الی الله، سر از بدن نوه پیامبر جدا می‌کنند، اگر بصیرت نباشد تشخیص اینکه امام جماعت، حسین بن علی^(ع) باشد یا شمر و ابن سعد، مشکل و سردرگمی، ایجاد می‌شود.

حضرت علی^(ع) نقش مهم بصیرت، صبر و علم را در حفظ پرچم اسلام و انقلاب به زیبایی بیان داشته و می‌فرماید: «وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ [بِمَوَاقِعِ] بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳) یعنی تنها کسی می‌تواند پرچم (حق) را حمل کند (و گرفتار فتنه و تشابه حق و باطل نگردد) که سه نشانه داشته باشد؛ اول اهل بصیرت، دوم شکیبا و سوم اینکه آشنا و عالم به مواضع حق باشد. درجایی دیگر، امیرمؤمنان^(ع) خطاب به فرزند خویش، امام حسن مجتبی^(ع) می‌فرماید: «كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابِنِ اللَّبُونِ؛ لا

ظَهْرٌ فِيرُكَبُ و لا ضَرَعٌ فَيُحَلَبُ» (نهج البلاغه، حکمت ۱) هنگام فتنه، (چنان با بصیرت و تشخیص باش که) همچون بچه شتر دو ساله باش؛ نه پستی دارد تا سوارش شوند و نه پستانی تا شیرش بدوشند (اجازه هیچ گونه سوء استفاده ای را نمیدهد) شخص با بصیرت کسی است که بتواند علی^(ع) و معاویه را از هم تفکیک کرده و تشخیص قرآن بر نیزه و قرآن ناطق برای او، امر پیچیده ای نباشد.

این شاخص بسیار مهم و رکن اساسی و نجات بخش در وجود ابر مرد بصیرت، حاج قاسم سلیمانی ظهور و بروزی به روشنی خورشید داشت، اگر در یک کلام بخواهیم بصیرت یا شخص با بصیرت را تعریف کنیم می توان گفت که شخص بصیر کسی است که در تشخیص دوست از دشمن دچار خطا نمی گردد، دشمن را با تمام ویژگیها و ابعاد و تاکتیکهای آن شناخته و دوستان را هم خوب می شناسد و می فهد دوست واقعی کیست؟ و منافق چه رویه ای دارد؟ و در این امر سردرگمی و تزلزل ندارد و تحت تاثیر تبلیغات و جوسازی ها و عوامل احساسی قرار نمی گیرد.

بصیرت سیاسی انقلابی یا همان دوست و دشمن شناسی، شرایط و ابعادی دارد که شهید سلیمانی در تمام آنها در نقطه اوج بود، شرط اول اینکه شهید سلیمانی دشمنان را از هم تفکیک کرده و آشکار و پنهان آن را می فهمید و خطر هر کدام را به میزان خودش درک می کرد و این سرمایه را از مکتب مولای متقیان آموخته بود و می دانست که خطر دشمنان پنهان، بسی بیشتر از دشمنان آشکار است چرا که میدانست از دیدگاه امام^(ع) کم خطرترین دشمن، دشمنی است که دشمنی خود را آشکار کرده است زیرا حضرت در این زمینه فرموده اند: «أَوْهَنُ الْأَعْدَاءِ كَيْدًا مَنْ أَظْهَرَ عِدَاوَتَهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷) یعنی سست ترین دشمنان، کسی است که عداوتش را آشکار ساخته است، سست ترین یعنی کم خطرترین دشمن دشمنی است که عناد خود را آشکارا بروز داده و در روز روشن، شمشیر

می کشد، همچنین حضرت می فرمایند: «مَنْ أَظْهَرَ عَدَاوَتَهُ قَلَّ كَيْدُهُ» (آمدی، ۱۴۱۰) آن کس که دشمنی اش را اظهار کرده، توطئه و مکرش کم است، همچنانکه در نقطه مقابل این، خطرناک ترین دشمن، دشمنی است که دشمنی اش را پنهان می کند، همان که قرآن کریم نامش را نفاق گذارده است. امام علی (ع) در این زمینه می فرماید: «شَرُّ الْأَعْدَاءِ أَبْعَدُهُمْ غَوْرًا وَ اخْفَاهُمْ مَكِيدَةً» (همان) بدترین دشمنان کسی است که عمیق تر بوده و بیشتر حيله اش را مخفی می دارد در سخنی دیگر فرمود: «أَكْبَرُ الْأَعْدَاءِ اخْفَاهُمْ مَكِيدَةً» (کاشف الغطاء، ۱۳۵۴) بزرگ ترین دشمنان کسانی اند که حيله خود را بیشتر پنهان می دارند این دشمنی خطرناک ترین دشمنی ها است که می تواند تخم فتنه را در جامعه پخش کند و شخص با بصیرت کسی است که دشمن منافق را تشخیص داده و بتواند با آن مقابله کند و فریبش را نخورد.

شهید سلیمانی این قدرت تفکیک را داشت و به تبعیت از ولی و امام خویش، آمریکا را به عنوان بزرگترین دشمن آشکار معرفی کرده و برخی کشورهای فریب خورده خاورمیانه را دشمن اصلی نمی دانست بلکه تلاش میکرد راه مسالمت و روشننگری را نسبت به آنان در پیش گیرد به همین دلیل سفرهای بسیاری به صورت آشکار و مخفیانه در برنامه های خود گنجانده و در پی ایجاد صلح و آرامش در منطقه و ایجاد وحدت و همدلی برای مبارزه با شیطان بزرگ بود، این شهید سرافراز حتی داعشی ها را عده ای فریب خورده (چه در بعد اعتقادی و چه از نظر مادی و دنیوی) دانسته و در میدانهای نبرد تاکید داشتند که افراد کمتری از دشمن کشته شوند.

شرط دوم بصیرت سیاسی این است که هیچ گاه، نباید دشمن را کوچک شمرد؛ شهید سلیمانی می دانست که اگر چه دشمن ممکن است ضعیف باشد اما هرگز نباید وی را کوچک شمرد، این نگاه هم دقیقاً برگرفته از مکتب حضرت علی (ع) است زیرا حضرت در

این باب می فرماید: «لَا تَسْتَغِرَنَّ عَدُوًّا وَّ إِن ضَعْفَ» (آمدی، ۱۴۱۰) هرگز دشمنی را کوچک مشمار، هرچند ضعیف باشد. در جای دیگری نیز فرمودند: «لَا تَأْمَنُ عَدُوًّا وَّ إِن شَكَرَ» (همان) از دشمن در امان نباش، هرچند از شما سپاسگزاری کند، یعنی هر چند در ظاهر و با زبان، از شما سپاسگزار است اما نباید دست کم گرفته شود. شهید سلیمانی با تشریح دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (حفظه الله) تاکید داشت که قدرت امریکا رو به افول بوده و ابهت خود را از دست داده است اما در عین حال، باید با دقت آن‌ها و برنامه هایشان را زیر نظر داشت.

شرط سوم این است که شهید سلیمانی، با بصیرت انقلابی که از آن بهره می برد لحظه ای از دشمن غافل نشد و شبانه روز به مبارزه ادامه داد و در تحقق گفتمان حضور دائمی در صحنه، لحظه ای دست از جهاد بر نداشت، زیرا می دانست اگر لحظه ای غفلت صورت گیرد، چه بسا ضربه های آسیب ناپذیری از ناحیه دشمن وارد شود. هوشیاری و تلاش شبانه روزی و دوری از غفلت و راحت طلبی، لازمه اقتدار در مقابل دشمن و ناکام ساختن حملات و ناامید کردن دشمن در پیروزی است، همان طور که امام علی (ع) فرمودند: «مَنْ نَامَ عَنِ عَدُوِّهِ أَنْهَتَهُ الْمَكَايِدُ» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳) کسی که از دشمن غفلت کند، حيله‌ها و کیده‌های دشمن بیدارش خواهد ساخت.

شرط چهارم اینکه سلیمانی میدانست که نباید به دشمن اعتماد کرد حتی اگر او وعده و قراردادی را امضا کرده باشد امضای او اعتباری ندارد چرا که پایبند به تعهدات و وعده های خود نیست، امام علی (ع) نیز در عهدنامه بعد از آن که مالک را سفارش به پذیرش صلح شرافت مندانه می کند، می فرماید: «وَلَكِنَّ الْحَذَرَ كُلَّ الْحَذَرِ! مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارِبٌ لِيَتَغَفَّلَ فَخُذْ بِالْحَزْمِ وَ أَتِهِمْ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) زنها! هشدار! سخت از دشمنت پس از پذیرش صلح بر حذر باش، چرا که دشمن گاهی

نزدیک می‌شود که غافلگیر سازد. بنابراین دوراندیشی را به کار گیر و در این موارد خوش‌بینی را متهم کن. حضرت در این ماجرا بر بدبینی به عنوان ملاک رفتار با دشمن تاکید دارند برخلاف بعضی‌ها که می‌گویند ما توهم داریم که علیه ما توطئه است و دشمنی وجود دارد در حالی که حضرت به ما هشدار می‌دهند که توهم دشمنی نیست بلکه واقعیتی است که نباید از آن غفلت نمود وجود دشمن با حسن ظن و به خواب رفتن ما از بین نمی‌رود. شهید سلیمانی بارها به مسئولان نظام هشدار داد که مواظب تعهدات و قراردادهایتان با دشمنان خصوصا امریکا باشید از جمله اینکه با بدبینی به قرارداد برجام نگرسته و عهدشکنی امریکا را بارها پیش بینی کرده بود.

شرط پنجم بصیرت سیاسی و انقلابی شناخت تاکتیک‌های دشمن است، شهید سلیمانی از جمله فرماندهانی بود که به خوبی از انواع تاکتیک‌های دشمن اطلاع کافی داشت البته این شناخت منحصر به میدانهای نبرد فیزیکی نبود بلکه دیگر انواع مبارزه‌ها از جمله مبارزه در عرصه فرهنگ و رسانه و غیره را می‌شناخت؛ برای نمونه، وی می‌دانست که یکی از ترفندهای دشمن استفاده از شعارها و بهانه‌های عامه پسند بوده تا با این ترفند نگاه عامه مردم را تغییر دهند یا مثلا استفاده ابزاری از چهره‌های مقبول که یکی دیگر از تاکتیک‌های دشمنان می‌باشد را می‌شناخت و در تلاش برای آگاهی‌خواص و عوام بود.

امام علی (ع) به یک مورد از این روش ناجوانمردانه دشمن، چنین اشاره می‌کند: «فَخَرَجُوا يَجْرُونَ حُرْمَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا تَجْرُ الْأُمَّةُ عِنْدَ شَرَائِهَا مُتَوَجِّهِينَ بِهَا إِلَى الْبَصْرَةِ فَحَبَسَا نِسَاءَهُمَا فِي بَيْوتِهِمَا وَأَبْرَزَا حَبِيسَ رَسُولِ اللَّهِ لَهُمَا وَلِغَيْرِهِمَا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲) پس اینان (ناکثین) شورش کردند در حالی که همسر رسول خدا (ص) را همچون کنیزی که برای فروش می‌برند به دنبال خود کشاندند. در حالی که همسران خود را در خانه پشت پرده نگهداشتند! (تا از نظر بیگانگان دور بمانند). و پرده نشین حرم پیامبر را

در برابر دیدگان خود و دیگران قرار دادند. پس ایجاد شبهه، استفاده از جهالت مردم، تبلیغات و جوسازی، فرصت طلبی، استفاده ابزاری از مقدسات و ... از دیگر ترفندهای دشمن برای ایجاد تسلط و برهم زدن وحدت و ایجاد فتنه است.

جان کلام اینکه تشخیص حق و باطل، شناخت دشمن و خنثی کردن نقشه‌ها و تاکتیک‌های آنها، آمادگی برای سرکوبی تحرکات دشمن و عدم غافلگیری، عدم اهمال کاری و کوچک شمردن دشمن، کشف نقاط ضعف و قوت دشمن، آینده نگری، استقامت و صبر در مسیر حق، تحت تأثیر اکاذیب، شایعات، افتراء، تحریف و تهمت واقع نشدن، پیروزی، اتحاد و همدلی در برابر دشمن و ... از ویژگی‌های این سردار اسلام و نشان دهنده بصیرت سیاسی انقلابی او بود.

۳-۳) ویژگی سوم شهید سلیمانی: «ولایت مداری»

عامل بعدی که می‌تواند انقلاب و مردم انقلابی را از پیچ‌های سخت عبور داده و از گرفتاری در فتنه‌ها نجات دهد، پیروی از ولایت، امام جامعه و انقلاب است، این معیار بهترین و امن‌ترین راهکاری است که ما را از شکست در مقابل دشمنان و درافتادن در فتنه و یا بیرون کشیده شدن از آن نجات می‌دهد، گوش به فرمان ولی بودن از اساسی‌ترین شیوه‌هایی است خدای متعال در آیه ۱۸۹ سوره «بقره» می‌فرماید: «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» یعنی نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها درآیید، بلکه نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند، و به خانه‌ها از در [ورودی] آنها درآیید. اگرچه سبب نزول این آیه، خاص است و در نکوهش یکی از عادت‌های غلط جاهلی به هنگام احرام، نازل شده؛ اما همچنان‌که مفسران بر آن تأکید کرده‌اند، معنای آیه عام است و مراد این است که برای اقدام در هر کاری، خواه دینی باشد یا دنیوی، انسان باید از طریق درست وارد آن شود؛ نه از راه‌های انحرافی و مشکوک. امام

باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «یعنی هر کاری را از اهلش (امام) وارد شوید.» (طبرسی، ۱۴۰۶)

ولایت مداری در کلام امیر علیه السلام بارها مورد اشاره قرار گرفته از جمله اینکه حضرت می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النَّجَاةِ وَ عَرَّجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمُنَافَرَةِ» (نهج البلاغه، خطبه ۵) ای مردم، امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات درهم بشکنید، و از راه اختلاف و پراکندگی بپرهیزید. مراد از کشتی‌های نجات، همان اهل بیت علیهم السلام که مصداق کامل ولایت هستند، می‌باشد چرا که تبعیت از ولایت موجب وحدت بین مردم شده و فتنه‌ها را از بین می‌برد.

حضرت علی^(ع) به صراحت بر اطاعت از امام و پیشوا تاکید کرده و می‌فرماید: «عِنْدَ ذَلِكَ ... فَإِنْ أَطَعْتُمُونِي فَإِنِّي حَامِلِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَى سَبِيلِ الْجَنَّةِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶) یعنی در پیدایش فتنه‌ها... اگر از من پیروی کنید، به خواست خدا شما را به راه بهشت خواهم برد. زیرا در زمان فتنه و ایجاد شبهه، وظیفه رهبران جامعه، شفاف سازی و روشنگری است که باید حقایق را به گوش مردم برسانند و آنان را از نقشه‌های شوم و ترفند دشمنان آگاه سازند وظیفه مردم در این حوادث ثبات قدم با تأسی از ولایت بوده و باید همان مسیری را که ولی نشان می‌دهد، برگزینند.

امیرالمومنین^(ع) در بخشی از خطبه ۳۸ ضمن تعریف شبهه، می‌فرماید خواص دیندار با بصیرت در فتنه‌ها متزلزل نمی‌شوند و پیرو نور خدا بوده و ثابت قدمند (در نتیجه می‌توانند اثرگذار باشند و این ثبات و یقین خود را به جامعه تزریق کنند): «إِنَّمَا سُمِّيَتْ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشَبِّهُ الْحَقَّ فَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَضِيَائُهُمْ فِيهَا الْيَقِينُ وَ دَلِيلُهُمْ سَمْتُ الْهُدَى...» (نهج البلاغه، خطبه ۳۸) شبهه را برای این شبهه نامیدند که به حق شباهت دارد. اما نور هدایت کننده دوستان خدا در شبهات، یقین است، و راهنمای آنان مسیر هدایت الهی است.

نگارنده، واژگان و جمله‌هایی که بر این صفحه نگاشته می‌شوند قاصر و درمانده اند که چگونه این ویژگی سردار را به رشته تحریر درآورند، در یک جمله میتوان گفت که شهید سلیمانی ذوب در ولایت بود، او مسیری جز مسیر ولایت نمی‌شناخت و کلامی جز کلام رهبرش را مد نظر نداشت و با تمام وجود، خود را سرباز و یاور رهبر می‌دانست و دیگران را توصیه می‌کرد که: نایب حضرت حجت (عج) را تنها نگذاشته و گوش به فرمان او باشید البته خود وی با تمام وجود به این توصیه‌ها عمل می‌کرد.

نقش سردار در حفظ پرچم انقلاب، آنقدر حائز اهمیت و پررنگ است که پس از شهادتش نامی جز نام مالک اشتر علی^(ع) نمی‌تواند ارزش و اهمیت جایگاه او را نشان دهد؛ مالک اشتر روزگار ما به هیچ وجه سخنی مبهم که بتوان ذره‌ای از آن برداشت عدم همسویی با ولایت احساس کرد، بر زبان نراند و در بروز فتنه‌ها همیشه روشنگر و حامی رهبری بود، قاطعانه در مقابل فتنه‌گران ایستاد و تن به مصلحت‌های عوام فریبانه نداد و به تعبیر مقام معظم رهبری، شفاف و صریح بود.

نگاهی به مکتب و سیره حضرت علی^(ع) نشان می‌دهد که برخورد ایشان با فتنه و فتنه‌گران به گونه‌ای بود که صراحت و شفافیت داشته و به دور از مصلحت‌های بی‌مورد، فتنه‌گران را رسوا کرده و پرده از رخشان بر می‌کشیدند همچنانکه در مورد عثمان، طلحه، زبیر، عایشه و ... به صراحت فرموده‌اند: «من شما را از موضوع عثمان به گونه‌ای که شنیدنش چون دیدن آن باشد آگاه می‌سازم؛ مردم بر او خرده گرفتند و من یکی از مهاجرین بودم که بیشتر از او می‌خواستم رضایت مردم را جلب نمایم و کمتر سرزنشش می‌کردم. اما «طلحه» و «زبیر» آسان‌ترین کارشان آن بود که بر او بتازند و نرم‌ترین برنامه‌شان اعمال فشار بر وی بود. عایشه هم ناگهان خشم درونیش را نسبت به وی آشکار کرد، سپس گروهی برای کشتن عثمان مهیا شدند و او را کشتند». (نهج البلاغه، نامه ۱)

امام^(ع) همچنین در مذمت ناکثین که پیوسته بر طبل مخالفت می کوبند و پس از روشن شدن حق، بر فتنه گری پافشاری دارند، می فرماید: «إِنِّهَا لِلْفِتْنَةِ الْبَاغِيَةِ فِيهَا الْحَمَأُ وَالْحُمَةُ وَالشُّبُهَةُ [الْمُعْدِفَةُ] الْمُعْدِفَةُ وَإِنَّ الْأَمْرَ لَوَاضِحٌ وَقَدْ زَاحَ الْبَاطِلُ عَنْ نِصَابِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۷) یعنی همانا ناکثین (اصحاب جمل) گروهی سرکش و ستمگرند، خشم و کینه، و زهر عقرب، و شبهاتی چون شب ظلمانی در دل‌هایشان وجود دارد در حالی که حقیقت پدیدار و باطل ریشه کن شده است. این روش باعث می شود که عامه مردم از سردرگمی و حیرت بیرون آمده و با تاسی به رهنمودهای رهبرشان، بتوانند فتنه را بشناسند و از دایره فتنه گران بیرون آیند.

سردار سلیمانی معتقد بود که برخورد قاطع و البته به موقع، یکی از راهکارهای برون رفت از فتنه و نجات جامعه از دست فتنه گران است سستی و تاخیر در برخورد با فتنه و فتنه‌گر موجب فراگیر شدن آن شده و امکان مهار آن را دشوار می کند لذا باید با شجاعت و جسارت در مقابل فتنه و فتنه‌گران ایستاد و به تعبیر حضرت علی^(ع) چشم فتنه را از حدقه بیرون کشید زیرا یکی از افتخارات امیرالمومنین^(ع) برخورد قاطع با فتنه بوده که در این باره می فرماید: «فَإِنِّي فَقَاتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ وَلَمْ يَكُنْ لِيَجْتَرِيَّ عَلَيْهَا أَحَدٌ غَيْرِي بَعْدَ أَنْ مَاجَ غِيْبَهُهَا وَاشْتَدَّ كَلْبُهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۹۳) یعنی من بودم که چشم فتنه را کور کردم، و کسی جز من بر آن جرأت نداشت، بعد از آنکه تاریکی فتنه‌ها همه جا را گرفته، و سختی هاری آن رو به فزونی نهاده بود.

۴- نتیجه گیری

نتیجه ای که از این مقاله حاصل می شود این است که هر جامعه و انقلابی برای رسیدن به اهداف و آرمانهایش، نیازمند وجود الگوهای جامع و نیروهای تربیت شده انقلابی است افرادی که هم به اصول و مبانی انقلاب آگاهی داشته باشند و هم قدرت تحلیل و دفاع از

آن مبانی را داشته باشند و هم در عمل پایبند به ارکان بوده و در میدانهای مختلف در صحنه باشند. یکی از نمونه های بارز تربیت یافته در مکتب انقلاب اسلامی، شهید قاسم سلیمانی است که می توان این شهید عزیز را با معیارها و مبانی اعتقادی و انقلابی مورد مطابقت و ارزیابی قرار داد و مشخص شد آن سردار رشید اسلام، نمونه کاملی از شخصیت تراز دین و انقلاب است و مطابقت کامل ویژگیهای شخصیتی آن فرمانده سرفراز اسلام از جمله تقوا و دیانت، بصیرت و ولایتمداری، با سخنان امام علی^(ع) در کتاب شریف نهج البلاغه، نشان می دهد که شهید سلیمانی، برای همیشه، الگوی راستین جبهه اهل حق و انقلاب خواهد بود زیرا در مسیر خود انحراف و کوتاهی نداشته است و این بیت جامی شایسته اوست:

پروانه ز من، شمع ز من، گل ز من آموخت
افروختن و سوختن و جامه دریدن

فهرست الفبایی منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، تصحیح مهدی رجایی، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۵)، لسان العرب، بیروت: دار صادر

ابن ابی الحدید (۱۳۸۰)، شرح نهج البلاغه. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.

جعفری، محمدرضا (۱۴۰۰)، حاج قاسم؛ زندگی و مبارزات سردار سلیمانی. تهران: سوره مهر.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، انقلاب اسلامی و جبهه حق. قم: مرکز نشر اسراء.

حسینی، مهدی (۱۳۹۹)، فرمانده بی‌مرز؛ بررسی نقش حاج قاسم سلیمانی در امنیت منطقه‌ای. تهران: نشر معارف.

خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۰۴)، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی (ره).

شریعتی، علی (۱۳۹۸)، جامعه‌شناسی هویت اسلامی. تهران: انتشارات قلم.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۲)، مبانی حکومتی در نهج البلاغه. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح هاشم رسولی و فضل‌الله یزدی طباطبایی، تهران: ناصر خسرو.

عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا)، تفسیر عیاشی، تحقیق هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه

کاشف الغطاء، هادی (۱۳۵۴ق)، مستدرک نهج البلاغه، بیروت: مکتبه الاندلس.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۳)، میزان الحکمه، قم: دار الحدیث

مطهری، مرتضی (۱۳۹۳)، انسان و الگوهای تربیتی. تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، پیرامون انقلاب اسلامی. تهران: صدرا.

Martyr Qassem Soleimani; A Model for the Front of Truth and Revolution from the Perspective of Nahjul-Balagha

Mahdi Moradian^۱

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran

Date of Receipt: ۰۱/۱۲/۲۰۲۴

Date of Acceptance: ۰۶/۰۲/۲۰۲۵

Abstract

One of the surest ways to protect the ideals of religion and revolution is to train self-made and insightful forces and commanders on the path of revolution, because the hostility of opponents, the narrow-mindedness and ignorance of friends, the lack of sufficient insight and accurate and meticulous distinction between right and wrong, and dozens of other factors, have always caused challenges for the movements defending the Front of Truth and Revolution. Introducing Martyr Qassem Soleimani as a prominent model and in accordance with the indicators that Imam Ali (AS) has mentioned in Nahjul-Balagha, can be useful and effective in realizing and advancing the goals of the revolution and the Front of Truth.

This article examines this question using a descriptive-argumentative method: What should be done to prevent the Islamic Revolution from being coveted by enemies and hegemony from outside and from the people of society from being shaken and plagued by division and the resulting losses? The results of this research show that martyr Qasem Soleimani, while complying with the indicators presented in Nahjul-Balagha, namely piety, insight, and guardianship, is the same personality that was approved by Imam Ali (AS) and is a model for the front of truth and the revolution.

Keywords: Nahjul-Balagha, Front of Truth, Piety, Insight, Guardianship, Qasem Soleimani

^۱-Corresponding Author: mahdimoradian1@gmail.com